

Original Article

## The Textual Analysis of the Sole Manuscript of *the Divan of Bolbol-e Gilani (9<sup>th</sup> century AH)*

Ali Mohammadyarloo<sup>1</sup>, Yadollah Nasrollahi<sup>2</sup> Rahman Moshtagh Mehr<sup>3</sup>

### Abstract

The present study is the introduction and textual analysis of a manuscript called *the Divan* of Bolbol-e Gilani, written in the 9<sup>th</sup> century AH. It is manuscript number 86 in the library of Istanbul University which has not been introduced or edited so far. The main goal of this research is to introduce and review this manuscript and express its main linguistic, literary, and intellectual features. The research method is descriptive analysis based on field and library studies and in-text evidence. There is no information about this poet in literary and historical sources and Bolbol remains unknown even among the people of Gilan. He is a poet from the middle class and lacks style, having experimented with the forms of masnavi, qasida, ghazal, and qet'a. Bolbol follows the Khorasani style in qasida and the Iraqi style in ghazal. The manuscript consists of 107 pages and 3078 verses and does not have the scribe's signature, name, or information; moreover, the time of writing is not available, but the text shows that the scribe did not have enough precision in copying: several typographical errors are seen in his manuscript. The main themes of *the Divan* are the praise of the local rulers of Gilan and the description of its land and beauty.


**Keywords:** Bolbol-e Gilani; Divan of poems; codicology; Textual analysis; Linguistic, literary, and intellectual characteristics

---


1. Phd Candidate of Persian Language and Literature, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran, email of the corresponding author: Alimohammadyarloo@gmail.com

 ORCID: [0000-0002-9353-7522](https://orcid.org/0000-0002-9353-7522)

2. Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran, email: Y.nasrollahy@gmail.com

 ORCID: [0000-0001-6930-0309](https://orcid.org/0000-0001-6930-0309)

Professor, Department of Persian Language and Literature, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran, email: R.moshtaghmehr@gmail.com

 ORCID: [0000-0001-5097-651X](https://orcid.org/0000-0001-5097-651X)

 [10.48308/hlit.2024.233381.1261](https://doi.org/10.48308/hlit.2024.233381.1261)



# دو فصلنامه تاریخ ادبیات

دوره ۱۶، شماره ۲، (پیاپی ۸۷/۲) پاییز و زمستان ۱۴۰۲

مقاله علمی - پژوهشی

صفحه ۱۰۷ تا ۱۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۶

## متن شناسی دست‌نویس نسخه منحصر به فرد

### دیوان بلبل گیلانی\* (سده نهم ه. ق)

علی محمدیارلو، یدالله نصراللهی<sup>۲</sup>، رحمان مشتاق مهر<sup>۳</sup>

#### چکیده

مقاله حاضر به معرفی و متن شناسی تک‌نسخه‌ای دست‌نویس با نام دیوان بلبل گیلانی می‌پردازد که در قرن نهم ه. ق سروده شده. این دست‌نویس به شماره ۸۶ در کتابخانه دانشگاه استانبول نگهداری می‌شود و تا کنون مورد معرفی یا تصحیح قرار نگرفته است. هدف اصلی پژوهش پیش رو، معرفی و بررسی این نسخه و بیان عمده ویژگی‌های زبانی، ادبی و فکری آن می‌باشد. روش پژوهش تحلیلی-توصیفی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای-میدانی و شواهد درون‌متنی است. در منابع ادبی و تاریخی اطلاعاتی از این شاعر در دسترس نیست و بلبل حتی در بین گیلانیان نیز ناشناخته مانده است. او شاعری از طبقه متوسط و فاقد سبک است که در قالب‌های مثنوی، قصیده، غزل و قطعه طبع‌آزمایی کرده است. بلبل در قصیده از سبک خراسانی و در غزل از شیوه عراقی پیروی می‌نماید. دست‌نویس مذکور مشتمل بر ۱۰۷ برگ و ۳۰۷۸ بیت است و ترقیمه‌ای ندارد و نام و نشانی از کاتب و زمان کتابت آن به دست نیامد اما از مطاوی متن چنین برمی‌آید که کاتب دقت کافی را در استنساخ نداشته و چندین اشکال کتابتی و نگارشی در دست‌نویس وی دیده می‌شود. عمده‌ترین مضامین دیوان، مدح حکام محلی گیلان و توصیف سرزمین گیلان و زیبایی‌های آن است.

**کلیدواژه‌ها:** بلبل گیلانی، دیوان اشعار، نسخه‌شناسی، متن‌شناسی، مشخصات زبانی، ادبی و فکری.

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری تخصصی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان با عنوان «تصحیح و تملیق دیوان بلبل گیلانی» است.  
۱. دانشجوی دکتری تخصصی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)

Alimohammadyaloo@gmail.com

ORCID: 0000-0002-9353-7522

Y.nasrollahy@gmail.com

ORCID: 0000-0001-6930-0309

R.moshtaghmehri@gmail.com

ORCID: 0000-0001-5097-651X

doi: 10.48308/hit.2024.233381.1261

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.

۳. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.



## ۱. مقدمه

یکی از دلایل گمنامی برخی از شعرای شعر فارسی، عدم تصحیح آثار ایشان به صورت علمی و عدم معرفی آن‌هاست. گاهی "مخطوطات" این قبیل شاعران برای مصححان شناخته شده نیست و گاهی دست‌رسی و مجالی برای پرداختن به آن‌ها فراهم نیامده است. وجود تک‌نسخه از یک اثر آن هم خارج از کشور، از دلایل دیگری است که اقبال عمومی به تصحیح آن را تا حد بسیار زیادی کم می‌کند. کتابخانه‌های کشورهای چون هندوستان، پاکستان، تاجیکستان، ترکیه، ازبکستان و افغانستان پر است از نسخ خطی فارسی که مورد تصحیح و عرضه قرار نگرفته‌اند. با توجه به پیشگامی و علاقه‌مندی ترکان سلجوقی و عثمانی به فراهم آوردن کتابخانه‌ها، امروزه بیش از دویست هزار نسخه خطی به سه زبان ترکی، فارسی و عربی در کتابخانه‌های ترکیه نگهداری می‌شود و به دلایل متعددی از جمله نفوذ و گسترش زبان فارسی در آن دیار، بی‌احتیاطی یا بی‌اهمیتی برخی از اولیای امور وقت در حفظ و نگهداشت این آثار مهم، طمع مالی عده‌ای و مسائل سیاسی و اقتصادی حاکم بر دو کشور، این دیوان به همراه بسیاری از آثار فارسی دیگر، سر از کتابخانه دانشگاه استانبول درآورده است. درباره علت راهیابی این نسخه به این کتابخانه دو فرضیه در ذهن شکل می‌گیرد: الف. مهاجرت خود شاعر به آن سامان ب. راهیابی دست‌نویس از ایران به دیار عثمانی. از یک سو «اوج رونق و گسترش شعر و ادب فارسی در سرزمین عثمانی را می‌توان از سال ۸۵۷ ه. ق مشاهده کرد» (معصومی و مجلی‌زاده، ۱۴۰۰: ۲۴۷). و نیز در همین دوره است که شاعران نوازی‌های سلطان محمد فاتح و متعاقب آن سلطان بایزید دوم و توجه وی به شعر و فرهنگ فارسی، سببی بر مهاجرت شاعران درجه دوم به استانبول بوده است؛ یعنی مقارن با زمان سرایش این اثر (سال ۸۵۲ ه. ق) و از سوی دیگر پنجاه سال اول قرن نهم، یعنی عهد شاهرخ، اگرچه دوره درخشانی در ادب فارسی نیست اما دوره رواج بسیار شعر فارسی و رونق بازار شاعری و ظهور شاعران فاقد سبک و فقدان شاعران بزرگ در عرصه شعر فارسی است؛ به طوری که امیرعلیشیر نوایی (۱۳۶۳: ۴۴۶ تا ۴۶۸) در مجالس النفاثات از ۱۳۲ تن شاعر ادب فارسی در این دوره نام می‌برد که فقط در خراسان و ماوراءالنهر می‌زیستند یا دولت‌شاه سمرقندی (۱۳۸۲: ۲۵۴ تا ۵۴۱) که تنها شرح حال شاعران مشهور را آورده است، از ۴۲ شاعر مشهور این دوره نام می‌برد؛ مزید بر این، متون در گیلان سرنوشت تلخی داشته‌اند؛ هیچ متن مکتوبی از شاعران و ادیبان گیلان از آغاز تا ابتدای قرن حاضر در گیلان یافت نشده و آنچه از آثار نویسندگان و دانشمندان گیلانی در قلمروی شعر، حکمت و عرفان به فارسی، عربی و گیلکی باقی مانده، در جاهای دیگر و حتی در خارج از کشور به دست آمده است؛ دلیل این امر شرایط خاص اقلیم گیلان است» (عباسیه‌کهن، ۱۳۸۶: ۳).

و این تنها، سرنوشت مکتوبات آن خاک نیست؛ بلکه در این جا نباید در پی بناهای پانصد ششصد ساله بود، زیرا کمتر بنایی هر قدر هم محکم ساخته شده باشد، می‌تواند در مقابل عوارض جوی و وضع اقلیمی گیلان پایدار و استوار بایستد. در این سرزمین، بناهای صد و دویست ساله را باید قدیمی دانست و به ثبت و ضبط آنها پرداخت (ستوده، ۱۳۷۴: ۳).

بدین ترتیب باید بر این باور بود که این نسخه همانند بسیاری از نسخ دیگر از داخل سرزمین ایران به آن کتابخانه راه یافته است؛ چرا که اولاً دلالت خود شاعر بر سرایش این اثر در خطه فومن گیلان است:

چو بر مشک تر بر زدم خامه را      به پومن بنا کردم این نامه را  
(برگ ۳)

و ثانیاً در سرتاسر دیوان وی نشانه‌ای بر مهاجرت شاعر به دیار عثمانی یا توصیف و مدح بزرگان آن حکومت به چشم نمی‌خورد در حالی که در دیوان شاعران مهاجر به دربار عثمانی همانند بصیری خراسانی یا سایللی قرشی نمونه‌های بسیاری از توصیف آن دیار و مدح بزرگان سرزمین عثمانی وجود دارد. این پژوهش در پی آن است تا ضمن معرفی این اثر ارزشمند، به متن‌شناسی آن بپردازد.

### ۱-۱. پیشینه پژوهش

پیش از این، پژوهشی درباره تصحیح یا معرفی این دست‌نویس صورت نگرفته است و تنها در ۴ منبع (۳ کتاب و یک سایت) فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشگاه استانبول، معجم التاريخ التراث الاسلامی فی مکتبات العالم، پارسی سرایان گیلان؛ از آغاز تا قرن سیزدهم و سایت کتابخانه ملی ایران اطلاعات اندکی درباره شاعر ارائه شده است که گاهی این اطلاعات با شاعر هم‌نام دیگری خلط شده یا لغزش‌هایی به آن راه یافته است.

### ۱-۲. اهمیت و ضرورت پژوهش

پس از شناسایی یک نسخه خطی، دومین گام در عرضه آن را معرفی این نسخه می‌دانند؛ چرا که به دنبال معرفی یک دست‌نویس است که زمینه برای تصحیح آن فراهم می‌آید. از این راه، آن میراث مکتوب از دایره فراموشی خارج و به وادی شناخت وارد می‌شود. این کار سبب آگاهی بیشتر از زمانه شاعر و فضای تولید اثر ادبی و مقوم‌گردیدن آن می‌گردد. علاوه بر این، بررسی و متن‌شناسی آن اثر در شناخت و معرفی این

دست‌نویس به جامعه علمی مؤثر است؛ چرا که فهم یک اثر بدون دست‌یابی به ویژگی‌های زبانی، ادبی و فکری آن ممکن نیست.

### ۱-۳. روش انجام پژوهش

پس از دست‌یابی به تصویر نسخه، ویژگی‌های آن مورد بررسی قرار گرفته است. در ارجاع به شواهدی از دست‌نویس، حرف اختصاری «ر» به عنوان صفحه روی آن برگ و حرف «پ» به عنوان صفحه پشت آن برگ به کار رفته است. برای یافتن اطلاعاتی درباره خود شاعر یا دیوان وی، آثار تاریخی و ادبی عهد تیموری و کتب تذکره، شرح رجال و منابع محلی گیلان مقارن با زمان زندگی شاعر و پس از آن (بیش از ۴۰ عنوان کتاب) مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. برای درک بهتر اوضاع سیاسی و اجتماعی عهد شاعر، گریزی از مطالعه تاریخ گیلان از ابتدا تا عصر حاضر نبوده است. از آن جا که در دست‌یابی به اطلاعات خارج‌متنی درباره شاعر توفیقی حاصل نشد، از طریق چاپ مقاله‌ای با عنوان «در جستجوی بلبل در گیلان» (۱۴۰۲) در یکی از مجلات محلی (ماهنامه گیله‌وا) و ارتباط با افراد فرهنگی و دانشگاهی سرزمین گیلان، تلاش شد تا شاید نتیجه‌ای حاصل شود که این کوشش نیز بی‌فایده بود.

### ۲. معرفی شاعر

از احوال و زندگی بلبل گیلانی اطلاعاتی در دست نیست و تنها در چهار منبع متأخر مورد اشاره، به تخلص شاعر و معرفی بسیار کوتاه دیوان او اکتفا شده است. نام مؤلف اثر ناشناخته است. شاید علت عدم ذکر نام مؤلف و ناشناختگی او برای ما آن است که:

در گذشته بنا به دلایل زیر نام مؤلف در کتاب نمی‌آمده است: ۱. تواضع و فروتنی مؤلف؛ ۲. اعتقاد مؤلف بر این که خالق همه چیز خداست و شایسته نیست نام خود را ذکر کند؛ ۳. کاتب از عمد و غرض نام مؤلف را حذف می‌کرد؛ ۴. مؤلف در زمان نگارش بر طبق رسوم می‌خواست نام خود را در پایان کتاب ذکر کند که فراموش کرده یا از دنیا رفته است (جاپری، ۱۳۸۹: ۵۰).

شاعر خود را بلبل در گلزار گیلان دانسته و این گونه به بلبل گیلانی شهره یافته است:

به گلزار گیلان چو من بلبل ندیدند و چون نامه من گلی

(برگ ۳پ)

و متأثر از ویژگی غزل آن دوره و ملزومات این نوع شعر، به عنوان تخلص در مخلص همه غزل‌ها استفاده کرده است:

چو نرگس با قدح برخیز بلبل      که باد گلستان، عیبه‌ر شمیم است  
(برگ ۸۰ پ)

خیامپور (۱۳۶۸: ۱۴۰) در فرهنگ سخنوران از نه شاعر ادب فارسی (چون بلبل خراسانی، بلبل سرخوردی و بلبل کاشی) نام می‌برد که تخلص بلبل را برای خود برگزیده‌اند. گویا از قرن نهم به بعد استخدام این تخلص مورد توجه بوده و بلبل گیلانی در این امر پیشگام بوده است.

اطلاعات ما درباره اصول اعتقادی و مسائل فقهی شاعر، هم به دلیل آن که در شعرش منعکس نشده و هم به دلیل ناشناس بودن شاعر و عدم اطلاع از احوال او کم است. با اطلاعات اندکی که از شعر بلبل به دست می‌آید، به طور دقیق مشخص نیست که او بر چه مذهبی بوده است. شواهدی در شعر او وجود دارد که نظر ما را به آن سو متمایل می‌کند که (احتمالاً) اندیشه مذهبی غالب بر اندیشه بلبل، تفکر شیعی باشد. در آن دوره در دو ناحیه گیلان یعنی گیلان بیه‌پس (به مرکزیت فومن و بعدها رشت) مذهب سنی شافعی و گیلان بیه‌پیش (به مرکزیت لاهیجان) شیعه زیدیه رواج داشته است؛ البته هر چه از اواسط قرن سوم دور می‌شویم، می‌بینیم گرایش مردم به فرقه زیدیه کمتر می‌شود؛ زیرا با گذشت زمان، مردم تحت تأثیر رهبران غیرزیدی با مبانی و اصول مذهب شیعه اثنی‌عشری و سایر فرق اسلامی آشنا می‌شوند و آگاهی‌های آن‌ها درباره مذاهب و هم‌چنین آراء و عقاید فلاسفه و مسائل مربوط به ماوراءالطبیعه افزایش می‌یابد (اصلاح‌عریانی، ۱۳۷۴: ۲۷۳). «در این دوره اشعار مذهبی اهل تشیع شکفتگی خاصی یافت، چنان‌که می‌توان این دوره را به حقیقت آغاز رواج اشعار مذهبی شیعیان خواند» (یارشاطر، ۱۳۵۵: ۱۰).

بلبل را نمی‌توان بر طریق اهل سنت یا آنچه شفیعی کدکنی در مقدمه تذکرة الاولیاء (۱۳۹۷: ۳۹۷) چهل و هفت) سنی دوازده‌امامی می‌خواند دانست؛ زیرا او در اثنای شعر و با بیانی تلمیحی (برگ ۶۱ ر) حضرت علی (ع) را تنها امام امم می‌خواند و فقط سخا، جوانمردی و علم بوالحسن (برگ ۶۸ پ) را می‌ستاید و عامدانه صفات نیک بنی فاطمه (ع) را در ترکیباتی چون «آل رسول، آل عبا و آل بتول (برگ ۸ پ)، حیدر کرم و حسن اجتهاد (برگ ۱۰ پ)، حیدر احمد سنن، وارث علم علی و صاحب خلق حسن (برگ ۶۳ پ)، حسین اصل و حسن خلق و مرتضی سیرت (برگ ۶۷ پ) برای ستایش خصایل ممدوح خویش به کار می‌گیرد و از سه خلیفه

اهل سنت -ولو به کنایه یا تلمیح- یادی نمی‌کند. این نکته درباره شیعه زیدی یا اثنی‌عشری بودن بلبل نیز صدق می‌کند. در سراسر دست‌نویس وی هیچ اشاره‌ای به زید بن علی به چشم نمی‌خورد. از میان ائمه اطهار (س) بلبل تنها از پنج تن آل عبا و اسامی آنها در ضمن شعر خود یاد کرده است در حالی که به قول یارشاطر (۱۳۵۵: ۲۲۴) شاعران شیعی این دوره از جمله خواجه اوحد سبزواری و طالعی به مدح دیگر ائمه از جمله علی بن موسی الرضا (ع) نیز می‌پرداختند. بنابراین اظهار نظر دقیق درباره باور مذهبی بلبل به یافته‌های بیشتری درباره زندگی او نیازمند است.

### ۳. نسخه‌شناسی

#### ۳-۱. ویژگی‌های ظاهری، رسم‌الخطی و استنساخی دست‌نویس

«ورق، مداد (مرکب)، قلم (خط) و جلد از دیدگاه کاتبان و وراقان قدیم، ارکان چهارگانه کتاب‌پردازی نسخه خطی است» (عظیمی، ۱۳۹۰: ۳۹ و ۴۰). این چهار جزء اجزای مادی نسخه شناخته می‌شوند و تذهیب، ترصیع، تجلید و مانند آن اجزای هنری آن محسوب می‌شوند. در کتابت این دست‌نویس از کاغذ سمرقندی آهار و مهره‌شده فستقی‌رنگ استفاده شده است. نوع و تزیینات جلد آن تیماج ضربی مشکی تعمیرشده ۵/۲۰ \* ۱۳/۵ در قطع وزیری کوچک است و به خط نستعلیق جلی سه و چهاردانگ به نگارش درآمده است. قلم استفاده شده در کتابت اشعار از نظر ریزی و درشتی در همه جا یک‌دست نیست. بخش اول نسخه، یعنی شهنامه علائی با قلمی ریزتر (۳دانگ) و بخش دوم آن، یعنی قصاید و غزلیات با قلمی درشت‌تر (۴دانگ) تحریر شده است. در کتابت عناوین وقایع از شنگرف قرمز جلی پنج‌دانگ استفاده شده است. این دست‌نویس فاقد هر نوع نسخه‌آرایی همچون «کمند، حاشیه، سرلوحه یا ترنج» است. این موضوع بیانگر آن است که دست‌نویس برای غیر از دربار ترتیب داده شده است. اشعار دیوان در اغلب موارد، روان و خواناست. از آن جا که دست‌نویس در معرض رطوبت بوده، محل اتصاق برگه‌ها و حاشیه آنها (بیشتر در برگ‌های آغازین و پایانی) دچار آب‌خوردگی شده است. در برگ ۱۰۶ آب‌خوردگی به همراه خوردگی اشکالی در خوانش آن ایجاد کرده است و واژه‌های نخستین ابیات این صفحه از این برگ از بین رفته‌اند. در هر صفحه از هر برگ ۱۲ تا ۱۸ بیت به صورت دو ستونی کتابت شده است. در برگه‌هایی که عناوین وقایع با شنگرف قرمز رنگ (فقط در بخش شهنامه علائی) به تحریر درآمده، معمولاً ۱۴-۱۵ بیت به نگارش درآمده است. در بخش دوم دیوان و در برگ‌های آخر آن، نوعی آشفتگی در کتابت ابیات به چشم می‌خورد به طوری که از زیبایی بصری بخش آغازین دیوان فاصله چشمگیری گرفته است. علت این کار را می‌توان شتاب‌زدگی در کتابت آن دانست. بدین ترتیب

خط بخش نخستین پخته‌تر به نظر می‌رسد. در برگ‌های ۸۷ تا ۹۳ پ، شاعر با استفاده از هاشم نویسی ۱۱ غزل را در حاشیه برگ‌ها نوشته است که ۲ غزل آن تکراری است. از آن جا که این غزل‌ها و تکرار آن‌ها همه با یک خط به تحریر درآمده است، علت تکرار آن‌ها را باید علاقه کاتب به این غزل‌ها دانست. علاوه بر این در این تحشیه‌ها، پاره‌ای از سقطاتی که کاتب به سهو از قلم انداخته و نیز اضافات و توضیحات وی (مانند معنی واژه «رتاج» در برگ ۱۰۶ پ) آمده است. شروع دیوان با آیه تسمیه است. برگ اول دیوان الحاقی و به خط دیگری به جز خط نسخه است و در آن عباراتی الحاقی چون «کتاب کارکیا ناصرکیا» و «دیوان بلبل» با مهر مسئولان کتابخانه و اعداد «۱۷۴۱» و «۸۰۷» به عنوان شماره بازبایی به چشم می‌خورد. این نسخه ۱۰۷ برگ و ۳۰۷۸ بیت دارد. از برگ ۱ تا ۵۴ بخش پیشین و از برگ ۵۵ تا ۱۰۷ بخش واپسین اثر را شکل می‌دهد. قسمت بالای صفحات زوج هر برگ شماره‌گذاری شده است. در شماره‌گذاری این برگ‌ها عدد ۵۵ به اشتباه در دو برگ متوالی تکرار شده است و خواننده در نگاه اول و مشاهده عدد ۱۰۶ در آخرین برگ دست‌نویس چنین تصور می‌کند که این نسخه ۱۰۶ برگ دارد؛ در حالی که حاوی ۱۰۷ برگ است. شروع دیوان از پشت برگ اول و پایان آن با پشت برگ ۱۰۷ است. در برگ آخرین دیوان و در سمت راست پایین کد ۲۹۹۸۸ به صورت ماشینی حک شده است. به نظر می‌رسد نسخه دارای افتادگی‌هایی است و برگ‌هایی از آغاز و پایان بخش دوم آن افتاده است؛ زیرا فحوای کلام در این بخش، حاکی از ناتمامی سخن شاعر است. در پایین صفحات فرد در سمت چپ، به جهت نظم‌بخشی به اوراق از رکابه استفاده شده است. رکابه‌ها یک تا چهار کلمه‌ای هستند و کاتب رویه مشخصی برای انتخاب یک یا چند واژه به عنوان راده را ندارد. در برخی از برگ‌ها که مقصود شاعر در همان صفحه جاگرفته است و بیم سردرگمی و به هم ریختن دست‌نویس وجود ندارد یا زمانی که یک مصرع از شعر به صفحه بعد منتقل شده است، از کلمه پاصفحه‌ای استفاده نشده است.

### ۳-۱-۱. ویژگی‌های رسم‌الخطی نسخه عبارت‌اند از:

- تسامح در نقطه‌گذاری در حروفی که نیاز به دو یا سه نقطه دارند، مانند بس (پس) یا بیش (بیش) / برگ ۲۴ پ).
- حذف «های» بیان حرکت، آن هنگام که التقای دو «های» بیان حرکت و «های» نشانه جمع اتفاق می‌افتد، مانند قلعه‌ها / برگ ۱۳ پ).
- حذف سرکش حرف «گ» در کلماتی نظیر کنج (گنج / برگ ۱ پ) و تنک (تنگ / برگ ۱۰۵ ر).
- حذف «ه» در آخر واژه‌هایی مانند آنک (آن که / برگ ۲۷ پ)، چندانک (چندان که / برگ ۶۲ ر)، زانک (از



- آن که / برگ ۹۷ پ)، چنانک (چنان که / برگ ۱۰۴ ر)
- سرهم‌نویسی برخی واژه‌ها مانند جگویم (چه گویم / برگ ۴ پ)، آنکو (آن کو / برگ ۲ ر)، جانرا (جان را / برگ ۳ ر)، یکصحتی (یک صحبتی / برگ ۴۶ ر).
- جدانویسی «ب» فعل امری در آغاز فعل به بین (بین / برگ ۵۶ ر).
- نگارش شناسه «ای» به شکل ی کوچک؛ مانند فرموده و بگشوده (فرموده‌ای و بگشوده‌ای / برگ ۲۰ پ).
- حذف همزه در واژه علاءین بنا به ضرورت وزنی (علاءءین / برگ ۴۲ ر).

### ۳-۱-۲. برخی از اشکالات استنساخی سرزده از کاتب عبارت‌اند از:

- عدم کتابت بیت (مانند عدم کتابت بیت تخلص در برگ ۷۵ ر)، مصراع یا بخشی از آن (مانند عدم کتابت مصراع اول بیتی در برگ ۷۱ پ یا عدم کتابت بخشی از مصراع اول بیتی در برگ ۷۳ پ)، واژه یا بخشی از آن (مانند عدم کتابت ردیف علم در برگ ۵۵ پ یا عدم کتابت دو حرف پایانی ردیف گذشت در برگ ۸۳ ر).
- عدم دقت در نگارش عنوان وقایع؛ به طوری که کاتب ابتدا به اشتباه مطلبی را نوشته و سپس روی آن خط کشیده است و در ادامه مطلب درست را نوشته است که از ایرادات بصری نسخه است (مانند برگ ۲۲ ر).
- وجود نوعی لاک‌گیری و اصلاح اشتباه؛ (مانند برگ ۲۸ ر).
- کتابت بیتی ناتمام از یک غزل و انصراف از ادامه آن (برگ ۹۹ پ).
- دوباره‌نویسی بیت؛ در قصیده‌ای کاتب با یک بیت فاصله، بیت زیر را تکرار کرده است:

ای خداوندی که در احیای عدلت هر نفس بازمی‌یابد تن نوشین‌روان نوشین‌روان

(برگ ۷۵ ر)

### ۳-۲. معرفی دست‌نویس

حاجی خلیفه در کشف‌الظنون در اهمیت پژوهش درباره اسم و عنوان کتاب بر این باور است که این کار باید با تحقیق «داخلی یا خارجی» هر دو توأم انجام پذیرد؛ وی تحقیق داخلی را انطباق موضوع کتاب بر اسم آن و تحقیق خارجی را جست‌وجوی اسم کتاب در فهراس قدیمی و کتاب‌ها می‌داند (حاجی‌خلیفه، ۱۴۱۰: ۱۰۵).

### ۳-۲-۱. معرفی دست‌نویس بر اساس شواهد برون‌متنی

بر خلاف انتظار «گاهی آثار بسیار مهم و بزرگ از چشم صاحب تذکره‌ها و کتب فهراس، جا مانده است» (امیدسالار، ۱۳۹۷: ۵۰۲). از تحقیق برون‌متنی بر اسم کتاب و سراینده آن چنین برآمد که این شاعر تا کنون بر تذکره‌نویس‌ها ناشناخته مانده و تنها در چهار منبع، اطلاعات کمی از شاعر و دیوان وی، آن هم در سال‌های اخیر عرضه شده است.

۱. اولین بار هاشم‌پور سبحانی و آق سو (۱۳۷۴: ۵۰) در فهرست نسخه‌های خطی فارسی دانشگاه استانبول، برخی از ویژگی‌های ظاهری دیوان را به صورت ناقص همراه با ابیات آغازین و پایانی آن آورده و درباره خود شاعر و جزئیات حیات او، اظهار بی‌اطلاعی کرده‌اند. آن‌ها هنگام فهرست کردن این دست‌نویس به اشتباه، تعداد برگ‌های آن را ۱۰۶ برگ درج کرده‌اند.

۲. دومین بار علی‌الرضا و احمد طوران قره‌بلوط ترکیه‌ای در جلد اول معجم التاریخ التراث الاسلامی فی مکتبات العالم (۱۴۲۲ ه.ق، ص ۷۴۳) ذیل ۱۹۴۲ امین واژه، او را بلبل کبیر گیلانی یزدی متخلص به بلبل کبیر متوفی به سال ۱۴۴۸ / ۸۵۲ خوانده‌اند و به نسخه محفوظ در کتابخانه دانشگاه استانبول (کلیات بلبل با شماره ضبط ۸۶، شهنامه علانی با شماره ضبط ۱/۸۶، دیوان بلبل با شماره ضبط ۲/۸۶) اشاره می‌کنند. علی‌الرضا و احمد طوران نیز تعداد برگ‌های نسخه را ۱۰۶ برگ ذکر کرده‌اند. آن‌ها اطلاعات به دست آمده درباره شاعر را به جلد ۹ صفحه ۱۴۰ الذریعه الی التصانیف الشیعه آقابزرگ تهرانی ارجاع می‌دهند. در الذریعه (۱۴۰۳ ه.ق) در ردیف ۸۸۵ امین شاعر و ذیل بلبل یزدی (و نه بلبل گیلانی) به تذکره روز روشن صفحه ۱۰۱ ارجاع داده شده است. در صفحه ۱۰۱ روز روشن (۱۳۴۳) نشانه‌ای از شاعر دیده نمی‌شود و در صفحه ۱۱۶ آن، بلبل یزدی در چند سطر معرفی و یک رباعی از او ذکر شده است؛ حال آنکه هیچ سنخیتی با شاعر مد نظر ما ندارد. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت:

الف. نویسندگان معجم التاریخ با نگاه سطحی و در نظر نگرفتن تشابه اسمی بلبل گیلانی و بلبل یزدی و با توجه به نسخه محفوظ در کتابخانه دانشگاه استانبول دچار اشتباه شده، و چنین تصور کرده‌اند که بلبل گیلانی و یزدی یک نفرند و او را «بلبل گیلانی یزدی» خطاب کرده‌اند که صاحب نسخه مذکور است؛ حال آنکه شاعر مورد بحث، بلبل گیلانی است که تک‌نسخه موجود از او در این کتابخانه نگهداری می‌شود.

ب. صاحب الذریعه در تفاوت قائل شدن بین دو بلبل دچار اشتباه نشده؛ چرا که اصولاً او شناختی از بلبل گیلانی نداشته است و اطلاعات او درباره بلبل یزدی است و تنها اشتباه آقابزرگ در ارجاع به شماره صفحه مطلب در صفحه ۱۰۱ است؛ زیرا اطلاعات مربوط به بلبل یزدی در صفحه ۱۱۶ کتاب آمده است و نه صفحه

مذکور.

ج. در تذکره روز روشن، نامی از بلبل گیلانی به میان نیامده است و هر آنچه هست، مربوط به بلبل یزدی است.

۳. سومین بار یوسف‌دهی (۱۳۹۷) در پارسی‌سرایان گیلان؛ از آغاز تا قرن سیزدهم همان اطلاعات کتاب آق سو و هاشم‌پور سبحانی را عیناً تکرار کرده است.

۴. اطلاعاتی که آق سو و هاشم‌پور سبحانی درباره بلبل گیلانی و دیوان او، از جمله تعداد برگ‌های آن عرضه کرده‌اند در سایت کتابخانه ملی، بخش فهرست نسخ خطی (فنخا)، تکرار شده است و منبع آن، همین کتاب معرفی شده است. در همین سایت ذیل دیوان بلبل گیلانی، شهنامه‌علائی به صورت مجزا با شماره ضبط ۸۶/۱ محفوظ در کتابخانه دانشگاه استانبول و با ارجاع به اطلاعات معجم تاریخ درباره آن معرفی شده است. تعداد برگ‌های این بخش از دیوان به اشتباه ۵۳ برگ ذکر شده است در حالی که ۵۴ برگ می‌باشد.

### ۳-۲-۲. معرفی دست‌نویس بر اساس شواهد درون‌متنی

آنچه امروزه به نام دیوان بلبل گیلانی شناخته شده است، عنوانی است که بعدها و به مناسبت تخلص شاعر بدان اطلاق شده است اما بخش اول دست‌نویس از سوی خود شاعر شهنامه‌علائی خوانده شده است و دلیل آن را باید در اندیشه ستایشگری، تقدیم و تیمن‌جویی کتاب به نام شاهی - که از دیرباز در شعر فارسی مرسوم بوده است - جست‌وجو کرد؛ چرا که برتری امیره علاء‌الدین بر ناصرکیا و پایان‌یابی این بخش با ظفر آن شاه مظفر، سبب چنین انتخابی گشته است. اگرچه صراحت شاعر به بهره‌جویی از کهن‌الگوی فزه‌ایزدی باشد:

چو برداشتم در سخن نامه را      که پیدا کنم نام این نامه را

ز بالا به گوشم رسید این پیام      که شهنامه‌ات را علائی‌ست نام

(برگ ۲-ر-پ)

چنان که استفاده شاعر از این کهن‌الگو در نام‌گزینی سفیدرود نیز مشهود است:

چو از آسمان آمد اسما فرود      بشد نام آن بحر اسفیدرود

(برگ ۷-پ)

همان‌طور که مورد اشاره قرار گرفت، محل سرایش اثر فومن بوده است. زمان سرایش این دیوان، بنا بر

اشاره خود شاعر با استفاده از حروف جُمَل و صنعت ماده تاریخ مرسوم در آن روزگار، دلالت بر سال ۸۵۲ ه. ق و اندکی پس از عهد شاهرخ شاه دارد:

چو بر بنده تشخیص نبضش گشود      بدیدم که تاریخ او نبض بود  
(برگ ۲پ)

درباره زمان استنساخ اثر، هیچ نشانه‌ای مبنی بر اعلام تاریخ دقیق استنساخ آن در نسخه موجود نیست؛ چرا که دیوان فاقد ترقیمه است. در سایت کتابخانه ملی، زمان کتابت آن را قرن دهم تخمین زده‌اند اما دقیقاً مشخص نیست که این نسخه استنساخ خود شاعر است یا کاتبی دیگر. اما از تصرفات فاحش در کتابت آن، به‌ویژه افتادگی چندین بیت در آغاز قصیده اول، افتادگی ابیات تخلص و شریطه و دعا در اواسط چند غزل، افتادگی یک مصراع کامل و افتادگی برخی از واژه‌ها و حروف در چند جا، و به‌طور کلی ناهنجاری مشهود در کتابت، می‌توان نتیجه گرفت که شخصی غیر از خود شاعر، آن را کتابت کرده است؛ زیرا بروز چنین ایراداتی از خود شاعر تا حد خیلی زیادی ناممکن به نظر می‌رسد.

### ۳-۲-۳. نظم و ترتیب دیوان و عناوین اشعار آن

این دیوان از دو بخش شکل یافته است. قسمت آغازین آن مثنوی شهنامه علائی، مشتمل بر ۱۵۵۲ بیت است که با مقدمه‌ای ۷۱ بیتی در حمد و ستایش خدا، فضیلت سخن، سخن‌دانی، سخن‌سنجی، سنجیده‌گویی، بی‌نیازی از غیر و بالیدن بر شعر خود، شهنامه علائی خواندن آن و برتری امیر علاء‌الدین بر ناصرکیا پایان می‌پذیرد. نام هر یک از بخش‌های این مثنوی و تعداد ابیات هر کدام از آن‌ها به ترتیب عبارت‌اند از:

۱. در صفت دارالامان گیلان (۱۵ بیت)، ۲. در صفت فصل گیلان (۱۰ بیت)، ۳. در صفت تابستان گیلان (۲۰ بیت)، ۴. در صفت فصل خزان گیلان (۲۱ بیت)، ۵. در صفت فصل زمستان گیلان (۴۳ بیت)، ۶. در صفت سفیدرود (۹۷ بیت)، ۷. در جلوس مرحوم کارکیاء ناصرکیا در لاهیجان (۶۱ بیت)، ۸. در بنیاد تخلف میان کارکیاء ناصرکیا و میراحمد (۵۲ بیت)، ۹. رای زدن میراحمد با اصحاب خویش (۵۶ بیت)، ۱۰. رسول فرستادن میراحمد پیش کارکیاء ناصرکیا به درخواست دیلمان (۴۶ بیت)، ۱۱. جواب دادن کارکیا ناصرکیا به وزیر میراحمد نور قبرهما (۱۶ بیت)، ۱۲. خبر یافتن امیرکیای کوکه از عداوه میراحمد (۵۸ بیت)، ۱۳. رسیدن نامه کارکیاء ناصرکیا به امیرکیای کوکه (۱۱ بیت)، ۱۴. فرستادن کارکیاء امیرکیا پیش کارکیا جواب نامه را (۵۶ بیت)، ۱۵. هزیمت کردن کارکیاء امیرکیا و بهادین سالار از کیسم به رشت (۷۹ بیت)، ۱۶. فرستادن امیر

علاءدین پیش امیر محمد خواجه صفرشاه را به وزارت (۳۶ بیت)، ۱۷. به رشت آمدن کارکیا امیرکیا با بهادین سالار از کوهدم (۴۷ بیت)، ۱۸. آمدن کارکیاء امیرکیا با بهادین سالار از رشت به فومن پیش امیر علاءدین (۲۷ بیت)، ۱۹. استقبال کردن امیرعلاءدین کارکیا امیرکیا را (۱۱۵ بیت)، ۲۰. بازگشتن کارکیاء امیرکیا از فومن به رشت (۳۵ بیت)، ۲۱. ملاقات امیر علاءدین با امیرمحمد در لیشامدان و رای جنگ زدن (۱۲ بیت)، ۲۲. بازگشتن امیر علاءدین و امیر محمد از ملاقاتگاه و مشغول شدن به ترتیب لشکر (۸۶ بیت)، ۲۳. ترتیب دادن امیر محمد لشکر خویشتن را به آلات جنگ و زر بی شمار (۱۳ بیت)، ۲۴. بیرون آمدن امیر علاءدین از فومن به جنگ رودپیش و استقبال کردن امیرمحمد او را (۲۵ بیت)، ۲۵. مهمانی کردن امیر محمد امیر علاءدین را با مجموع سلاطین گیلان (۸۳ بیت)، ۲۶. رفتن امیر علاءدین با امیر محمد از رشت به کوچصفهان (۶۳ بیت)، ۲۷. رفتن امیر علاءدین با امیرمحمد از کوچصفهان به جنگ سرپل و مسخر کردن پل (۸۴ بیت)، ۲۸. شبگیر کردن علاءدین با امیرمحمد از سرپل به طرف کوکه و مسخر کردن کوکه به جنگ (۹۴ بیت) و ۲۹. ظفر یافتن لشکر امیر علاءدین بر لشکر کارکیا ناصرکیا (۱۳ بیت).

بخش دوم این دیوان مشتمل بر ۱۵۲۶ بیت به شرح ذیل است: ۲۲ قصیده مدحی (۹۱۵ بیت) و ۹۴ غزل عاشقانه (۶۰۹ بیت) و یک قطعه ۲ بیتی مدحی که از رمزگردانی با حروف شاعر در میانه غزل‌ها به وجود آمده است. قصاید و غزل‌های بخش دوم ترتیب مشخصی ندارند، به طوری که این بخش با قصیده شروع شده و با این قالب به پایان می‌رسد و در میانه آن با نظم نامشخصی قصاید و غزل‌ها به طور متناوب کتابت شده است.

#### ۴. متن‌شناسی

##### ۴-۱. ویژگی‌های زبانی

- **کاربرد واژه؛** واژه‌های به کار رفته در شعر بلبل اغلب ساده، روان و برخاسته از اجزای طبیعت هستند، واژه‌هایی چون ابر، نافه، هوا و آب (برگ ۶پ). واژه‌های عربی در شعر او همان واژه‌های مستعمل در آن روزگار هستند. میزان استعمال واژه‌های عربی در همه ابیات یکسان نیست. در برخی از ابیات بسامد بالای استفاده از آن کاملاً مشهود است، در بیت زیر به جزء دو واژه «به نام» همه واژه‌های استفاده شده عربی هستند:

به نام خالق حی لایموت      صاحب قهر و العز و الجبروت  
(برگ ۱پ)

اما در بیت زیر هیچ واژه عربی مورد استفاده قرار نگرفته است:

برآورده رامشگران بانگ رود که آموختی زهره زیشان سرود  
(برگ ۲۷ر)

دو واژه ترکی الکه (برگ ۲۱ر) و جوق (برگ ۴۷ر) چند بار در نسخه به کار رفته است. شاعر در بخش شهنامه علانی از طریق به کارگیری کهن‌واژه‌های حماسی همچون اسپهبد، سهم، یکایک، کوس، غریو، نخجیر و صورت کهن واژه‌های ابر (بر) و ابا (با) می‌کوشد تا لحنی حماسی ایجاد کند. پاره‌ای از واژه‌های غیرمستعمل مانند دشخوار، بازن، پرویزن و بیختن در شعر بلبل به کار رفته‌اند. در همین بخش، شاعر از دیگر ویژگی‌های شعر حماسی کهن مانند استفاده از دو حرف اضافه «به» و «اندرون» (برگ ۱۱پ) و «به» و «بر» (برگ ۱۴پ) پیش و پس متمم، کاربرد حرف اضافه «به» در معنای «با» و «در» (برگ ۱۱پ) بهره برده است. گاهی شاعر به ضرورت وزن و قافیه از واژه‌های تخفیف‌یافته‌ای چون ار (اگر / برگ ۵۷پ)، لشتنش (لشت‌نشا، نام شهری نزدیک رشت / برگ ۲۱پ)، فرو (فرو / برگ ۴۲پ)، چه (چاه / برگ ۶پ)، ستاده (ایستاده / برگ ۱۱پ) و آبدان (آبادان / برگ ۶پ) استفاده کرده است. از دیگر ویژگی‌های زبانی دست‌نویس عبارت‌اند از: کاربرد «ی» استمراری به جای «می» در افعالی چون انگیختندی و ریختندی (برگ ۹ر)، استفاده از رای حرف اضافه و فک اضافه؛ مانند آنچه به ترتیب در بیت ذیل آمده است: بیا کین طرف مسخر شد ترا // سعادت کمین بنده شد مر ترا» (برگ ۴۹پ). بلبل چند بار از معال برخی واژه‌ها مانند تکریر (تکرار / برگ ۲۵ر)، رکیب (رکاب / برگ ۲۲ر) و در چندین بیت از صنعت رمزگردانی حروف استفاده کرده است و با کمک تشبیهات حروفی، معانی دقیق را بیان کرده است، مانند:

تن از دهان تو چون میم بر کنار غم است      چو دل ز زلف تو چون لام در میان الم

(برگ ۶۵ر)

- **کاربرد قافیه و ردیف:** بلبل در دیوان خود غالباً از قافیه‌ها و ردیف‌های ساده‌ای مانند «خوبش کرد و پیش کرد» (برگ ۲۷ر) استفاده کرده و تنها در چند بیت شهنامه علانی ردیف‌های طولانی مانند «هر دو را» (برگ ۲۲ر) را به کار برده است.
- **کاربرد وزن:** شهنامه علانی در بحر متقارب سروده شده که از اوزان با کاربرد متوسط شعر فارسی است و مناسب شعر حماسی. غزلیات و قصاید دیوان او، اوزان متنوعی دارد. در بین ۹۴ غزل، بیشترین بسامد از آن بحر رمل است (۱۴ غزل)، پس از آن با بحر هزج و مجتث (هر کدام ۷ غزل) و در میان ۲۲ قصیده با بحور مجتث، رمل، مضارع و رجز (به ترتیب ۴، ۳، ۳ و ۳ قصیده)؛ یعنی به گفته یارشاطر (۱۳۵۵):

۱۴۳) همان بحوری که در این عصر برای غزل بیشتر مورد توجه شاعران بوده است. بلبل تنها از بحور سریع و مضارع رایج در آن عصر استفاده نکرده است. طبع شاعران قصیده سرا در کاربرد وزن در تمام اعصاری که قصیده در آن رونق داشته، با چهار بحر رمل، مجتث، مضارع و هزج بوده است که شاعر از هر چهار بحر مذکور استفاده کرده است و تنها از بحر هزج استفاده کمتری داشته است. این امر نشان‌دهنده آن است که «صورت، معنی و قالب در طول قرن‌ها ثابت بوده است و تغییری نکرده است» (برزگر خالقی و نوروززاده، ۱۳۹۰: ۸). بدین ترتیب می‌توان گفت بحوری که شاعر در بیشتر قصاید خود به کار برده، همان است که از قرن پنجم در شعر فارسی متداول بوده است که بی‌ارتباط با موضوع مدحی قصاید نیست. نکته قابل توجه درباره وزن اشعار بلبل آن است که در برخی ابیات، لغزش وزنی به شعر او راه یافته است؛ به عنوان مثال در بیت آغازین شهنامه علائی مصراع اول بر وزن مفاعلتن فاعلتن و مصراع دوم بر وزن فاعلتن مفاعلتن فع لن سروده شده است:

به نام خالق حیّ لایموت      صاحب قهر و العز و الجبروت

(برگ ۱ پ)

در حالی که دیگر ابیات این شهنامه بر وزن فعولن فعولن فعولن فعل می‌باشد.

#### ۴-۲. ویژگی‌های ادبی

در دیوان بلبل انواع صنایع ادبی به کار رفته است. استفاده از این صنایع در حد اعتدال و به صورت طبیعی است. تصویرگری در شعر او -به ویژه در شهنامه علائی- نمود خاصی دارد و اصولاً در شعر او تصویر برای تصویر است و نه هدفی دیگر. توصیفات رنگین او از سرزمین گیلان به مثابه نقاشی زنده‌ای فراروی مخاطب است. او گاهی صحنه‌های میدان جنگ را آن گونه به تصویر کشیده است که خواننده خود را جنگجوی حاضر در آن میدان قلمداد می‌کند یا صور خیال رنگین او در لابه‌لای قصاید، تداعی‌کننده اجزای طبیعت به طبیعی‌ترین شکل ممکن است.

- اساس شعر بلبل بر تشبیه، مقایسه و تمثیل است. تشبیهات او ساده، روان، حسّی به حسّی است؛ مانند تشبیه سرخی گل لاله به قدحی بر لب جویبار (برگ ۴ر). اضافه تشبیهی از صور خیالی است که نمونه‌های بسیاری از آن در دیوان بلبل وجود دارد؛ جیوش معانی (برگ ۲ر)، خار غم (برگ ۴ر)، ابر بلا (برگ ۲۳ر)، طبل محبت (برگ ۲۳پ)، اسب سعادت (برگ ۲۸ر)، بحر سخن (برگ ۳۰پ)، گرگ شب

(برگ ۶۳) و تیغ جود (برگ ۷۶ پ) از نمونه‌های این آرایه هستند. بلبل در خلال مثنوی خود و برای اثربخشی سخن از تمثیل بهره برده است. همان‌طور که می‌دانیم سخنی که بر پایه قیاس و تمثیل باشد، بر ذهن مخاطب بیشتر مؤثر می‌افتد؛ مانند بیت زیر که در آن وزیر شهنشاه دیلمان را از جنگ با ناصر کیا برحذر می‌دارد:

کسی کو زند دست بر پیل مست      دهد مهره شست خود را شکست

(برگ ۱۹ ر)

- اضافه استعاری از دیگر صنایع بدیعی است که در شعر بلبل به وفور به کار رفته، دامن آسمان (برگ ۴۴ پ)، حلق صبح (برگ ۶۳ پ)، گوش خرد (برگ ۶۴ پ) و جیب آسمان (برگ ۶۵ پ) از نمونه‌های این ترکیب هستند.
- کنایات در شعر بلبل غالباً نزدیک و سهل‌المعنی هستند؛ مانند علم و قلم برکشیدن (برگ ۱ پ)، بر خود پیچیدن (برگ ۱۸ پ)، گندم‌نما و جوفروش بودن (برگ ۲۱ پ) و خیال خام پختن (برگ ۹۳ پ).
- جناس از آرایه‌های لفظی است که در شعر بلبل کاربرد بالایی دارد؛ انواع جناس مانند جناس تام (دستور و دستور / برگ ۵۱ ر)، جناس بعض جزء (نامی و مانی / برگ ۴ ر)، جناس ناقص افزایشی (جم و جام / برگ ۱۲ ر)، جناس ناقص مختلف‌الاول (نو و تو / برگ ۶۷ ر)، جناس ناقص مذیل (ناف و نافه / برگ ۶۷ ر) و جناس ناقص اختلافی (زمین و زمان / برگ ۴۲ ر) از نمونه‌های آن هستند.

بلبل از میان صنایع معنوی بیشتر از صنایع ساده‌تر استفاده کرده است تا صنایع پیچیده مانند ایهام. تلمیح در شعر بلبل کارکرد اساسی دارد و می‌توان آن را از صنایع مادر شعر او دانست. در شعر او انواع تلمیح به داستان‌های ملی، دینی و غنایی وجود دارد. بدین ترتیب تلمیحات استفاده‌شده شاعر را می‌توان در سه دسته جای داد:

#### ۴-۲-۱. تلمیحات حماسی - تاریخی

لشگرکشی اسکندر (برگ ۷ ر)، داستان نوشیروان (برگ ۱۱ ر)، جنگاوری رستم (برگ ۲۸ پ)، اسفندیار و بهمن (برگ ۶۴ ر)، فر فریدون (برگ ۶۵ پ) و داستان دارا (برگ ۷۱ پ) از تلمیحات حماسی — تاریخی هستند که بلبل در شعر خود به آن‌ها اشاره کرده است. در این میان، اشاره به داستان اسکندر و لشگرگشایی‌های او بیش از قهرمان‌های حماسی دیگر خود را نشان می‌دهد، به طوری که واژه اسکندر (و سکندر) ۱۶ بار و واژه رستم



متن‌شناسی دست‌نویس نسخه منحصراً به فرد دیوان بلبل گیلانی (سده نهم ه. ق) (ص ۱۰۷-۱۳۱) علی محمدیارلو و همکاران ۱۲۳

(و پور زال و پور داستان) ۱۵ بار تکرار شده است. در بیت زیر داستان ضحاک و افراسیاب خلط پیدا کرده، در حالی که به لحاظ زمانی، ضحاک مقدم بر افراسیاب است و هیچ‌گاه ضحاک ماردوش با افراسیاب نجنگیده است:

برو لشکر آماده کن بی حساب      چو ضحاک در جنگ افراسیاب  
(برگ ۲۸ پ)

#### ۴-۲-۲. تلمیحات دینی و قرآنی

زبان‌دانی سلیمان (برگ ۱ پ)، دم عیسایی (برگ ۴ پ)، آب حیات و خضر (برگ ۷ پ)، شیوه کشته شدن یزید (برگ ۱۰ پ)، حکمت لقمان (برگ ۲۴ ر)، آدم و گندم خوردن (برگ ۴۴ ر)، آواز داوودی (برگ ۴۵ ر)، داستان سجدۀ ملائک بر آدم (برگ ۶۶ ر)، موسی و سامری (برگ ۶۶ پ) و یوسف و بازار دلبری (برگ ۹۱ ر) از تلمیحات دینی هستند که بلبل از آن‌ها برای نیل به مقصود کمک گرفته است.

#### ۴-۲-۳. تلمیحات عاشقانه و غنایی

داستان لیلی و مجنون (برگ ۱۳ پ) و وامق و عذرا (برگ ۱۰۷ پ) دو تلمیحی هستند که بلبل در خلال شعر خود به کار برده است.

#### ۴-۲-۴. ملامعات

کاربرد آرایه ملامع در چند بیت نسخه مشهود است. «ملمع سرایی تحولاتی را پشت سر گذاشته است و به نظر می‌رسد در قرن هفتم و هشتم یعنی در دوره ایلخانان اقبال بیشتری به آن بوده است» (رسولی و آرازی، ۱۳۹۵: ۴۸). با توجه به بسامد کم استفاده از این آرایه از سوی شاعر نمی‌توان آن را ادامه جریان ادبی پیش از خود دانست که در شاعران قرن نهم و از جمله جامی رواج داشته است؛ مصاریعی مانند «که ای معلم اسمع کلامه و اعلم» (برگ ۶۶ ر)، «شها به جودک انظر به عجزه ارحم» (برگ ۶۶ پ) و بیت:

نکردی نظر سوی هل من مزید      که یوماً جدیدست و رزقاً جدید  
(برگ ۱۰ ر)

### ۴-۳. ویژگی‌های فکری

مضمون شهنامه‌ی علانی مدح و وصف همراه با تغزل و تشبیب است. موضوع قصاید او همانی است که از قرن چهارم و پنجم به مدح شاهان و بزرگان اختصاص دارد و ادامه همان سنت ادبی پیش از خود است. ساختار این قصاید — به تبعیت از شعر عربی — متشکل از تشبیب، تخلّص، تنه اصلی و شریطه و دعاست. موضوع تشبیب‌های قصاید بلبل، غنایی و در وصف معشوق است. قصاید او فخیم، محکم و استوار هستند. غزلیات بلبل همه دو مضمونی عاشقانه — مدحی در ۶ یا ۷ بیت هستند و در غالب آن‌ها، شاعر از معشوق و عشق او و طلب وصال و ناله از هجر سخن می‌راند. در غزلیات او مقام معشوق همچنان والا است. به طور کلی ویژگی‌های فکری شعر بلبل عبارت‌اند از:

- **مدح** از اصلی‌ترین مضامین شعری بلبل است. شاعر غالب شاهان گیلان — چه کارکیایی و چه اسحاقوندی — را ستایش کرده است. گویی بلبل اندیشه خوش‌نگری داشته که از همه به نیکی و بزرگی یاد کرده است. اولین ممدوح وی سید رضا نامی است که در لاهیجان سکنی دارد و شاعر طبق عادت مألوف، در ستایش فضایل او راه مبالغه را در پیش گرفته است. ناصر کارکیا را می‌توان ممدوح اصلی شاعر دانست که از او با صفاتی چون «حسینی‌نسب، شاه حیدر کرم، حسن اجتهاد و محمد شیم» (برگ ۹۹پ) یاد کرده است. میراحمد برادر ناصر کارکیا، بهادین سالار شاه کوهدم، صفرشاه وزیر، سلطان علاء‌الدین — که شاعر بیش از هر کسی به او ارادت می‌ورزیده — سپهبد شیخ علی، امیره محمد، امیره دجاج، خواجه شهاب، حاجی محمد، خواجه شیخ علی و ابراهیم کیا از ممدوحان دیگری هستند که شاعر در ضمن شعر خود به ستایش محاسن و خصلت‌های نیک آن‌ها پرداخته است. غلو و مبالغه از ویژگی‌های سبک عراقی است که در شعر بلبل به وفور دیده می‌شود؛ چرا که یکی از الزامات شعر ستایشی و به اصطلاح مدح، اغراق و غلو و ارائه تشبیهات و استعارات مبالغه‌آمیز در توصیف ممدوح است که بالاترین میزان آن را در شعر شاعران قرون پنج و شش هجری می‌توان دید (مرادی و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۶).

شاعر در آغاز قصاید خود (همچون منوچهری دامغانی) با توصیفات زیبایی از عناصر طبیعت، ممدوح را به لذت بردن از طبیعت فرا می‌خواند و در ابیات پایانی قصیده به مدح و ستایش ممدوح می‌پردازد. در این ابیات، شاعر به وجه حُسن، طلب صله از ممدوح خویش دارد:

گر نوالی یابم از خان سخایت بعد ازین      از بن دندان کنم پیوسته خدمت چون خلال

(برگ ۶۹)

• **وصف** مضمون اصلی دیگر شعر بلبل است. او در استفاده از این صنعت نیز -به‌ویژه زمانی که از گیلان و پدیده‌های آن سخن می‌گوید- راه اغراق را پیش گرفته است. اغلب شهرها، رودها و نام‌جای‌های این ولایت مورد وصف و ستایش قرار گرفته‌اند. «با توجه به رواج طبیعت‌گرایی در اغلب اشعار ساده‌غنایی، مضامین مرتبط با توصیف طبیعت همواره بخشی از تشبیب قصاید و توصیفات ضمنی سایر قالب‌ها را تشکیل می‌دهد» (مرادی و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۶). توصیفات او - چه توصیف طلوع آفتاب در بخش تشبیب، چه وصف اسب و می یا نقطه‌ای از گیلان - همه زنده، عینی، حسی و رنگین و حاصل تجربه‌های حسی شاعرند و از این حیث به قصاید قرن سوم تا پنجم مشابهت دارد. او شاعری طبیعت‌گراست و توصیفات او تابلویی از زیبایی‌هاست. توصیف برآمدن خورشید و آمدن صبح از زبان او گویاست:

باز برآمد ز چاه یوسف زرین رسن      مرغ ملمع فکند مهره مهر از دهن  
باز سفید سحر بیضه زرین نهاد      پر پهن آسمان کرد برو پر پهن  
شعشه آفتاب بر کمر کوه زد      تیر برآمد ز کوه پاک چو تیغ از مسن  
(برگ ۶۲)

در توصیفات او اجزای طبیعت مانند لاله و یاسمن، کوه و جویبار، کبک و دراج، فاخته و تذرو به کار رفته‌اند. بیت زیر از بلبل یادآور توصیفات منوچهری است:

جهان گشته از ابر سنجاب‌پوش      ز سنجاب او دهر قاقم‌فروش  
(برگ ۶)

• **ستایش سخن و سخن سنجی و تفاخر بر شعر خود و بی‌نیازی شاعر از غیر**، مضمون فکری دیگری است که پس از وصف و مدح بیش از دیگر مضامین در شعر بلبل نمود دارد. «شعرای این دوره بسیار بر شعر خود نازیده‌اند، با آنکه شعر بسیاری از ایشان چندان مرغوب نیست» (یارشاطر، ۱۳۵۵: ۸۹). ابیات آغازین شهنامه‌علائی، غالباً بر محور سخن سنجی و سنجیده‌گویی و کم‌گویی می‌چرخد. او در آغاز این مثنوی و در میانه قصاید بر شعر خود می‌بالد:

مراست گوهر نظمی که نیست در تک بحرش به هیچ شعبده غواص وهم نیست شناور  
(برگ ۱۰۴ ر)

بلبل خود را بلبلی دستان سرا در باغ نظم می‌داند (برگ ۵۶ ر) که به شهید کس دست نیالوده است و فقط  
از حلوای سفره خود خورده است:

نیالوده‌ام دست در شهید کس که در سفره حلوای من بود و بس  
(برگ ۳ ر)

از دیگر مضامین شعری بلبل **ساقی‌نامه و خمربه** است. شاعر در ضمن شعر خود گاهی نه بار ساقی را  
خطاب قرار داده و از او طلب «می» می‌کند:

شتاب ساز به می ساقیا که قلب شتاست می آتش است وزو دفع شدت سرماست  
(برگ ۷۱ ر)

و گاهی نیز از قدح و می و می‌خواری سخن بر زبان می‌آورد:

بریز در قدح ای خواجه خون دختر رز که هست خون چنین پیش اهل عشق مباح  
(برگ ۸۵ پ)

- **اشعار سگیه:** پیدایش این نوع اشعار را مقارن با زندگی بلبل و در عهد شاه‌رخ‌شاه می‌دانند. در این نوع شعر «عاشق موجودی محروم و بدبخت است، به طوری که اشعار سگیه یعنی اشعاری که شاعر در آن آرزو می‌کند تا سگ کوی عشق یا معاشر آن باشد» (شمیسا، ۱۳۸۰: ۱۴۸). این خصیصه در چهار بیت از اشعار بلبل مشهود است، مثل:

هر که چون سگ خوار شد بر آستان عزتش در میان جمع عشاق صاحب عزتست  
(برگ ۸۳ پ)

- **شکوه از روزگار:** با وجود اینکه در غالب اشعار شاعر، نشانه‌ای از غم و ملال وجود ندارد اما در پاره‌ای از آن‌ها شاعر از غم و بی‌مهری و آسیب روزگار می‌نالند:

گفتم آموزم هنر، گردد و بال من شرف      خود هنر عیب من آمد، در شرف دیدم و بال  
در مقام غم نواز نغمه‌ام چرخ دو تا      ور کنم زاری چو چنگم می‌دهد صد گوشمال  
(برگ ۶۹)

- **تکرار مضمون:** گاهی شاعر یک مضمون را با استفاده از چند واژه و با اندک تغییر دوباره استفاده کرده است. مفهوم ابلقی در ترکیبات ابلق صبح و ابلق روزگار (برگ‌های ۲۸، ۲۹، ۴۲، ۶۳ و ۶۷)، تعبیر سروقد برای معشوق - غالباً در بخش قصاید و غزلیات (برگ‌های ۲۳، ۵۰، ۵۹، ۶۰، ۶۲، ۸۳، ۸۸، ۸۹، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹)، استفاده از مشابهه بد بیضا (برگ‌های ۵۸، ۶۲، ۶۳ و ۶۹) و «میم» بر کنار غم (برگ‌های ۶۵، ۷۲ و ۸۱) از نمونه مضامینی هستند که چندین بار در شعر بلبل استفاده شده است. این موضوع می‌تواند نشانگر علاقه شاعر به این مضامین و اهتمام بر تکرار آن‌ها باشد. شاعر در دو جا، شعر خود را سحر حلالی می‌خواند که بی‌وجود مدح ممدوح، این سحر حلال حرامش باد (برگ‌های ۶۹ و ۷۵) که این مضمون با جایگزینی چند واژه عیناً تکرار شده است. در برگ ۸۵ بیتی در میانه یک غزل آمده است که همان بیت با جابه‌جایی واژه چون به جای کی (برگ ۸۷) تکرار شده است. علاوه بر این در جایی دیگر، مضمون تقریباً یکسانی با جایگزینی چند واژه دیگر به کار گرفته است:

گرفته به هر گوشه در لاله‌زار      چو لاله قدح بر لب جویبار  
(برگ ۴)  
گرفته به هر گوشه در گل‌عذار      چو نرگس قدح بر لب جویبار  
(برگ ۵)

شاعر در مدح ممدوحان خود، از مفاهیمی یکسان یا نزدیک به آن چون حیدر دل (۳ بار)، حسین اصل، حسین نسل، حسینی نژاد، حسینی نسب (برگ‌های ۱۰، ۱۱، ۵۲، ۶۳، ۶۷، ۶۸، ۷۱ و ۷۳) و حسن خصلت، خلق حسن، حسن اجتهاد و حسن صورت (برگ‌های ۱۰، ۱۱، ۶۳، ۶۷، ۶۸، ۷۱ و ۷۲) استفاده کرده است.

گاهی نشانه تأثیرپذیری در به کارگیری مضمون شعر از دیگر شاعران به چشم می‌آید:

چو خورشید از دهر برداشت مهر  
به سرچشمه قیر شست چهر  
شبی از دل دیو تاریکتر  
رهی از دم تیغ باریکتر  
شب تیره و تار چون پرّ زاغ  
نه از نجم، شمع و نه از مه، چراغ  
(برگ ۵۲ر)

که یادآور بیت زیر از حکیم فردوسی است:

شبی چون شبه روی شسته به قیر  
نه بهرام پیدا نه کیوان نه تیر  
(فردوسی، ۱۳۷۱: ص ۳۰۳)

- **اشارات جغرافیایی - تاریخی به سرزمین گیلان**، بلبل در اثنای وصف گیلان برخی از ویژگی‌های جغرافیایی و تاریخی آن خطه را آورده است؛ مانند باریکه مانند بودن شکل جغرافیایی گیلان (برگ ۷ر)، عدم فتح گیلان به خاطر سختی راه و اینکه حتی شاهانی چون اسکندر در اندیشه فتح آن برنیامند (برگ ۷ر)، از میانه به دو نیم کردن گیلان با گذر سفیدرود از میانه آن (برگ ۷پ)، حکمرانی آل اسحاق بر فومن و رشت و آل کیا بر لاهیجان (برگ ۸پ) و اشاره به نزاع دیرینه حکمرانان گیلان بر سر لاهیجان (برگ ۱۷ر).

## ۵. نتیجه‌گیری

بلبل گیلانی شاعری خوش قریحه از طبقه متوسط شعرای فارسی در قرن نهم است که تاکنون گمنام مانده است و اطلاعاتی از زندگی او به دست نیامده است. تک نسخه موجود از او مشتمل بر دو بخش ۱. شهنامه علائی و ۲. قصاید، غزلیات و قطعات است. بلبل را نمی‌توان شاعر صاحب سبکی دانست. غزلیات او متمایل به سبک عراقی است و قصاید او به پیروی از سبک خراسانی سروده شده است. به سبب آنکه دیوان وی فاقد ترقیمه است، نام کاتب نسخه بر ما پوشیده است. اشعار دیوان غالباً روان و خواناست و در پاره‌ای موارد خواندن برخی از واژه‌ها با اشکال همراه است. خوردگی و آب خوردگی، ایرادی است که بر اثر گذر زمان به نسخه وارد شده است. واژه‌های به کار رفته در این نسخه غالباً ساده و روان هستند. واژه‌های عربی، کهن و حماسی، حروف اضافه مضاعف، مخفف‌واژه‌ها، استفاده از «ی» به جای «می» استمراری، استفاده از حرف اضافه «به» در معانی دیگر و استفاده از رمزگردانی حروف از ویژگی‌های زبانی شعر بلبل هستند. قافیه‌ها و ردیف‌های

شعر او، به‌جز پاره‌ای موارد ساده و کوتاه هستند. او در مثنوی از بحر متقارب، در غزل از بحور رمل، هزج و مجتث و در قصیده از بحور مجتث، رمل، مضارع و رجز استفاده کرده است. برخی از ابیات شعر وی لغزش وزنی دارد. استفاده از آرایه‌های ادبی در دیوان او در حد متعادل است. تشبیه و تلمیح آرایه غالب شعر او است. تشبیهات او ساده و روان و حسی به حسی است. اضافه استعاری، کنایه و جناس دیگر آرایه‌های پرکاربرد شعر او هستند. مضامین فکری شعر بلبل در قصیده غالباً مدح و وصف و در کنار این دو، ستایش سخن و مفاخره بر شعر خود، شکوه از روزگار، اشعار سگیه و ساقی‌نامه است. موضوع غزلیات او عشق زمینی است.

## منابع

- اصلاح‌عربانی، ابراهیم (۱۳۷۴) همه جای ایران کتاب گیلان، ج ۲، تهران: گروه پژوهشگران ایران.
- امیدسالار، محمود (۱۳۹۷) سی و دو مقاله در نقد و تصحیح متون ادبی، تهران: مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات افشار.
- برزگر خالقی، محمدرضا و وحیده نوروز زاده چگینی (۱۳۹۰) «بررسی ساختار عروضی قصاید فارسی»، فون ادبی دانشگاه اصفهان، س ۳، ش ۲ (پیاپی ۵)، ص ۱۴ تا ۱۴۱.
- تهرانی، آقا بزرگ (۱۴۰۳ ه. ق) الذریعه الی التصانیف الشیعه، ج ۹، بیروت: دارالاضواء.
- جابری، امیر (۱۳۸۹) درآمدی بر فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی برای پایگاه‌های اینترنتی کتاب، قم: گنجینه جهانی مخطوطات اسلامی.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله (۱۴۱۰) کشف‌الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، شهاب‌الدین مرعشی، لبنان: دار احیاء التراث العربی.
- حسین صبا، محمد مظفر (۱۳۴۳) تذکره روز روشن، به تصحیح و تحشیه محمدحسین رکن‌زاده آدمیت، تهران: کتابخانه رازی.
- خیامپور، عبدالرسول (۱۳۶۸) فرهنگ سخنوران، ج ۱، تهران: طلایه.
- رسولی، حجت و نجم‌الدین ارازی (۱۳۹۵) «ملّغ و سیر آن از آغاز تا قرن دهم»، تاریخ ادبیات، د ۹، ش ۲، ص ۴۷ تا ۶۸.
- ستوده، منوچهر (۱۳۷۴) از آستارا تا استرآباد، ج ۱، تهران: آگاه.
- سمرقندی، دولت‌شاه بن بختیشاه (۱۳۸۲) تذکره‌الشعرا، به اهتمام و تصحیح ادوارد براون، تهران: اساطیر.
- شمیسا، سربوس (۱۳۸۰)، سیر غزل در شعر فارسی، تهران: فردوس.
- عباسیه‌کهن، سید محمد (۱۳۸۶) تذکره شاعران گیلان: از آغاز تا قرن سیزدهم، رشت: فرهنگ ایلیا.
- عطار نیشابوری، فریدالدین ابوحامد محمد (۱۳۹۷) تذکره‌الاولیاء، با مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، ج ۱، تهران: سخن.
- عظیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۰) «بررسی تحلیلی عنصر کاغذ در نسخه‌های خطی ایرانی-اسلامی»، مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، د ۲۲، ش (پیاپی ۸۸)، ص ۳۹ تا ۵۴.
- فردوسی (۱۳۷۱) شاهنامه، به کوشش جلال خالقی مطلق، ج ۳، کالیفرنیا: بنیاد میراث ایران.
- قره‌بلوط، علی‌الرضا و احمد طوران قره‌بلوط (۱۴۲۲ ه. ق/ ۲۰۰۱ م) معجم التاريخ التراث الاسلامی فی مکتبات العالم (المخطوطات و المطبوعات)، ج ۱، قیصری ترکیا: دارالعقبه.
- گیلانی، بلبل (قرن نهم م. ق.) دیوان بلبل گیلانی، نسخه خطی، ش ۸۶، کتابخانه دانشگاه استانبول.
- محمدیارلو، علی (۱۴۰۲) «در جست‌وجوی بلبل در گیلان»، گیلو، س ۲۲، ش ۱۷۵، ص ۲۴ تا ۲۵.
- مرادی، زهرا، درو، نجمه و حسن ذوالفقاری (۱۴۰۱) «متن‌شناسی دیوان بصیری»، پژوهش‌های نسخه‌شناسی و تصحیح متون، د ۱، ش ۱ (پیاپی ۱)، ص ۴۷ تا ۶۸.
- معصومی، محمدرضا و امین، مجلی‌زاده (۱۴۰۰) «معرفی و بررسی دست نوشته «نوباوه روم» اثر سالیلی قرشی» تاریخ ادبیات، د ۱۴، ش ۱ (پیاپی ۸۵/۱)، ص ۲۷۲ تا ۲۴۳.
- نوایی، علی‌شیر بن غیاث‌الدین (۱۳۶۳) تذکره مجالس النفایس، به اهتمام علی اصغر حکمت، تهران: منوچهری.
- هاشمپور سبحانی، توفیق و حسام‌الدین آق‌سو (۱۳۷۴) فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه دانشگاه استانبول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- یارشاطر، احسان (۱۳۵۵) شعر فارسی در عهد شاهرخ یا آغاز انحطاط شعر فارسی، تهران: دانشگاه تهران.
- یوسف‌دهی، هومن (۱۳۹۷) پارسی‌سرایان گیلان از آغاز تا قرن سیزدهم، رشت: ایلیا.

**References:**

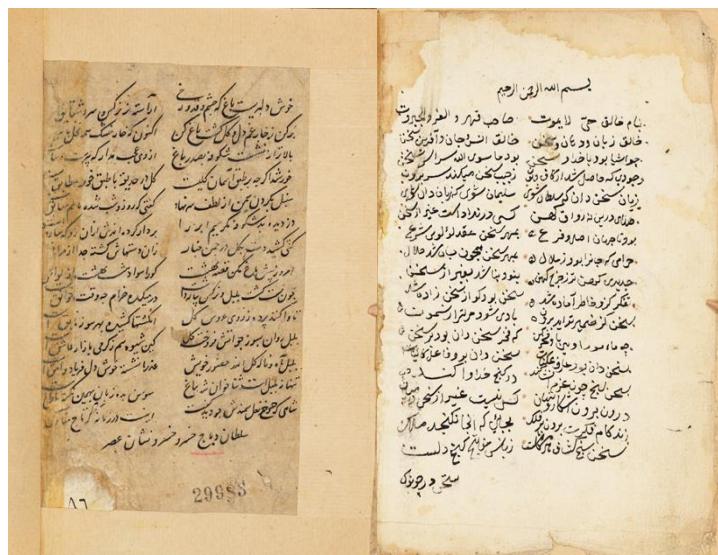
- Abbasiyeh Kohan, S. M. (2007). Biography of Poets of Gilan: From the Beginning to the 13th Century, Rasht: Farhang-e Iliya. [In Persian]
- Attar of Nishapur (2018). Tazkirat al-Awliya, Introduced, edited and commented by M. R. Shafiei-Kadkani, Vol. 1, Tehran: Sokhan. [In Persian]
- Azimi, H. (2011). Analyzing Paper of the Iranic-Islamic Manuscripts, Librarianship and Information Organization Studies, (22): 39-54. [In Persian]
- Barzegar Khaleqi, M. & Norouzzadeh Chegini, V. (2011). Studying of Prosodic Structure in Persian Odes, Literary Arts, 3 (2): 1-14. [In Persian]
- Eslah Arabani, E. (1995). Ketab-e Gilan, Vol. 2, Tehran: Gorouh-e Pajooeshgaran-e Iran. [In Persian]
- Ferdowsi (1992). Shahnameh, Edited by J. Khaleghi Motlagh, Vol 3, California: Iran Heritage Foundation. [In Persian]
- Gilani, B. (9th Century AH). Divan of Bolbol-e Gilani, Manuscript of Istanbul, No. 86, Library of Istanbul University. [In Persian]
- Hashempour Sobhani, T. & Aghsou, H. (1995). List of Persian Manuscripts of Istanbul University Library, Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
- Jaberi, A. (2010). An Introduction to Manuscript Cataloging for Online Book Databases, Qom: Ganjineh-ye Jahani-e Makhtoutat-e Eslami. [In Persian]
- Katib Celebi (1989). Kashf al-Zunun, S. D. Mar'ashi (ed.). Lebanon: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic and Turkish]
- Khayampoor, A. R. (1989). Farhang-e Sokhanvaran, Vol. 1, Tehran: Talayeh. [In Persian]
- Masoumi, M. & Mojallizadeh, A. (2021). Overview and Examination of the Nobave-ye Rome Manuscript by Sayeli Qarshi, History of Literature, 14 (1): 245-274. [In Persian]
- Mohammadyarloo, A. (2023). Dar Jost-o-joo-ye Bolboli Dar Gilan (Looking for a Nightingale in Gilan), Gilehva, 32 (175): 24-25. [In Persian]
- Moradi, Z., Dorri, N. & Zolfaghari, H. (2022). Textology of Khorasan's Basiri Poesy (Introduction of the Unknown Poet of the 10th Century and Manuscripts of Basiri Poesy), Journal of Codicology and Manuscript Research, 1(1), 47-68. [In Persian]
- Nava'i, A. S. (1984). Majolis un-Nafois, Edited by A. A. Hekmat, Tehran: Manouchehri. [In Persian]
- Omidsalar, M. (2018). Thirty-two Articles on Criticism and Correction of Literary Texts, Tehran: Mahmoud Afshar Foundation. [In Persian]
- Qarabalut, A. & Qarabalut, A. T. (2001). Mujam ul-Tarikh al-Turath al-Islami, Vol. 1, Kayseri: Dar al-Aqabah. [In Arabic]
- Rasouli, H. & Arazi, N. (2016). Macaronic Verse and Its Evolution from the Beginning to the End of the 10th Century AH, History of Literature, 9(2): 47-68. [In Persian]
- Saba, M. M. H. (1964). Tazkira-ye Rooz-e Roshan, Edited and annotated by M. H. Runknzadeh, Tehran: Ketabkhaneh-ye Razi. [In Persian]
- Samarqandi, D. (2003). Tadhkira al-Shuara, Edited by E. Browne, Tehran: Asatir. [In Persian]
- Shamsa, S. (2001). The Trend of Ghazal in Persian Poetry, Tehran: Ferdows. [In Persian]
- Sotoudeh, M. (1995). From Astara To Astarabad, Vol. 1, Tehran: Agah. [In Persian]
- Tehrani, A. B. (1982). Al-Dari'a ila Tasanif al-Shi'a, Vol. 9, Beirut: Dar ul-Azwa'. [in Arabic]
- Yarshater, E. (1976). Persian Poetry under Shah Rokh: The Second Half of the 15th Century or the beginning of decline in Persian poetry Tehran: University of Tehran.
- Yousefdehi, H. (2018). Persian Poets of Gilan from the Beginning to the 13th Century, Rasht: Iliya. [In Persian]



## پیوست‌ها



تصویر جلد نسخه از نمای کنار (سمت راست) و روی جلد (سمت چپ)



تصویر صفحه آغازین (سمت راست) و پایانی (سمت چپ) نسخه